موضوع: کاربرد علم عرفی و اطمينان آور در اعتقادات

دیدگاه شیخ انصاری در مورد ظنون در اعتقادات

سخن در باره دیدگاه شیخ انصاری در مورد حجیت ظنون در اعتقادات بود. ایشان اعتقادات را به دو دسته تقسیم نمودند: اعتقاداتی که وجوب آنها مبتنی بر علم نیست و علم در آن تنها نقش مقدمی دارد مانند اصل توحید، نبوت، امامت و معاد و دسته دوم اعتقاداتی که وجوب آنها مبتنی بر علم است یعنی اگر بداند لازم است که معتقد باشد مانند تفاصیل اعتقادات مثل اینکه آیا علم الهی حضوری است یا حصولی. ایشان برای گونه اول دو فرض بیان فرمودند که در ادامه مورد بررسی قرار می دهیم:

صورت اول:

در گونه اول دو فرض مطرح است و آن اینکه مکلف یا قادر به تحصیل علم است یا نیست و عاجز است. اگر انسان قادر به تحصیل علم در اعتقادات باشد، نباید به ظن عمل کند.

در ارزیابی این کلام گفته شد: باید میان ظن در اصطلاح منطق و ظن در اصطلاح عرف تفاوت قائل شد. در اصطلاح منطق، ظن به معرفتی گفته می شود که پایین تر از یقین است هر چند احتمال خلاف در آن خیلی کم باشد. بنابراین ظن ضعیف و ظن قوی تا 99 درصد همه جزء ظن به شمار می آیند و یقین آن جای است که احتمال خلاف به صفر برسد. اما در اصطلاح عرف، هر گاه درجه ظن بالا باشد به گونه ای که برای فرد اطمینان حاصل کند آن را جزء علم و یقین می دانند.

در لسان آیات و روایات نیز که مخاطب آنها عرف و عموم عقلا است، از ظن اطمینانی با عنوان علم یاد شده است و مراد از ظن در آنجا، ظن ضعیف است که پشتوانه و دلیل علمی ندارد. قاعدتا علم اصول نیز باید بر مقیاس عرف قرار داده شود نه بر مقیاس منطق، و لذا در آنجا باید علم و یقین به معنای عرفی معنا شود. برخی از اصولیون نیز علم را همین گونه معنا کرده و در تعریف آن گفته اند: علم آن چیزی است که مفید سکون النفس است.

صورت دوم:

در مورد صورت دوم که فرد عاجز از تحصیل علم در اعتقادات است، در میان عالمان بحث شده که آیا اساسا کسی که عاجز از علم در اصول اعتقادات مثل اصل توحید و نبوت باشد داریم یا نداریم؟ عده ای گفتند خیر، در میان انسان های مکلف انسانی نداریم که قلم تکلیف بر او نوشته شده باشد اما عاجز از تحصیل علم در اصول باشد و اگر جاهل باشد حتما قاصر است.

مرحوم شیخ معتقد است عاجز از تحصل علم در اصول دین داریم. «لكن الذي يقتضيه الإنصاف: شهادة الوجدان بقصور بعض المكلفين، وقد تقدم عن الكليني ما يشير إلى ذلك ، وسيجئ عن الشيخ (قدس سره) في العدة: من كون العاجز عن التحصيل بمنزلة البهائم»[[1]](#footnote-1).

ممکن است مراد ایشان از عجز از تحصیل علم، علم به معنای یقین بالمعنی الاخص باشد و الا علم عرفی برای همه مکلفین ممکن است. اکنون سوال این است که اگر کسی عاجز از تحصیل علم و قادر به تحصیل ظن است، آیا تحصیل ظن در اعتقادات بر او واجب است یا نه؟ مرحوم شیخ ابتدا می فرماید: تحصیل ظن بر چنین شخصی واجب نیست، زیرا فرض این است او قادر به انجام مامور به نیست و دلیل دیگری در اعتقادات بر توقف هم نداریم. اینجا مانند فروع دین و احکام نیست که اگر تحصیل علم ممکن نبود باید به ظن یا اصول عملیه مراجعه شود، زیرا در مقام عمل توقف معنا ندارد. مثلا فردی که به سفر رفته و نمی داند در این مکانی که قرار گرفته آیا نماز قصر است یا تمام، بالاخره باید یکی را بجا آورد و نمی تواند هیچ کاری نکند. در اینجا اگر علمی حاصل نشد باید به ظن عمل کند و اگر ظنی هم نداشت به اصول عملیه رجوع می کند. «والمقصود فيما نحن فيه الاعتقاد، فإذا عجز عنه فلا دليل على وجوب تحصيل الظن الذي لا يغني عن الحق شيئا، فيندرج في عموم قولهم (عليهم السلام): " إذا جاءكم ما لا تعلمون فها "».

مرحوم شیخ سپس با بیان تبصره ای می فرماید: کسی که حکم مساله را بلد نیست که آیا تکلیف دارد یا نه، اگر به عالمی رجوع کند که مورد اطمینان او است و او توصیه به تحصیل به ظن در اعتقادات کند، بعید نیست که بگوییم تحصیل ظن بر او واجب است، زیرا انکشاف حق هر چند ظنی باشد از شک اولی است (برای فردی که قادر به رسیدن به قله نیست، اما می تواند تا دامنه بالا رود روشن است که به دامنه برود بهتر است تا همان جا بماند). «نعم، لو رجع الجاهل بحكم هذه المسألة إلى العالم، ورأى العالم منه التمكن من تحصيل الظن بالحق ولم يخف عليه إفضاء نظره الظني إلى الباطل، فلا يبعد وجوب إلزامه بالتحصيل، لأن انكشاف الحق - ولو ظنا - أولى من البقاء على الشك فيه»[[2]](#footnote-2).

ارزیابی

نکته اساسی این است که ما باید ابتدا روشن کنیم که آیا اعتقاد با داشتن ظن ممکن است یا نه ؟ آنچه مکلف به است اعتقاد است که اگر شدنی باشد باید تحصیل شود و اگر شدنی نیست اساسا فرد تکلیفی ندارد. اگر فرد می تواند تحصیل علم کند، بر او تحصیل علم واجب است و اگر نمی تواند اما توان تحصیل ظن را دارد بر او ظن واجب است. به بیان دیگر آنچه فرد مامور به آن است اعتقاد است نه انکشاف از واقع. ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. [فرائد الاصول، شیخ انصاری، ج1، ص 576](http://lib.eshia.ir/13056/1/576/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [فرائد الاصول، شیخ انصاری، ج1، ص 577](http://lib.eshia.ir/13056/1/577/عجز) [↑](#footnote-ref-2)